

پیش‌بینی تعهد زناشویی براساس تمایز یافتگی زوجین با نقش میانجی مرزهای زوجینی خانواده

Predicting marital commitment based on the differentiation of spouses with the mediating role of marital family boundaries

Hassan Taghian
Mahdi Ghasemi Moravvej

حسن تقییان^۱
مهدی قاسمی مروج^۲

Abstract

This study aims to investigate the mediating role of marital family boundaries in the relationship between marital commitment and marital differentiation. The research method of this research was descriptive-correlational and the statistical population includes all married men and women in Qom. From this statistical population, 210 samples were selected by random sampling method. Adams and Jones (1997) Marital Commitment Questionnaire, Houshyari Marital Family Boundaries (2020) and Skowron and Friedlander Differentiation of Self Inventory (2003) were used to collect research data. The results were analyzed using correlation coefficient statistical methods and Baron and Kenny method using linear regression. Findings showed: a) There is a positive and significant relationship between marital commitment and external family boundaries; B) There is a significant positive relationship between marital commitment and the differentiation of spouses; C) The marital boundaries of the family as a whole play a mediating role in the relationship between self-differentiating and marital commitment. According to the research findings, in order to improve the level of marital commitment, it is necessary to consider modifying and improving marital boundaries and strengthening their differentiation.

Keywords: Family, Marital Commitment, Family Boundaries, Spouses Boundaries, Spouses Differentiation

1. Assistant Professor, Department of Psychology, Faculty of Islamic Humanities and social sciences, Al-Mustafa International University.
taghian@gmail.com

2. Master student of Islamic psychology, Institute of Higher Education, Ethics and Education.
mghlo6936588@gmail.com

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش میانجی مرزهای زوجینی خانواده در رابطه میان تمایز یافتگی زوجین و تعهد زناشویی انجام شد. روش پژوهش این تحقیق، توصیفی از نوع همبستگی و جامعه آماری شامل همه زنان و مردان متأهل شهر قم بود. از جامعه آماری یادشده تعداد ۲۱۰ نمونه به روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شد. برای گردآوری داده‌های پژوهش از پرسشنامه‌های تعهد زناشویی آدامز و جونز (۱۹۹۷)، مرزهای زوجینی خانواده هوشیاری، صفوریایی پاریزی، جزایری و تقییان (۱۳۹۹) و پرسشنامه تمایز یافتگی خود اسکورن و فریدلندر (۲۰۰۳) استفاده شد و نتایج با به‌کارگیری روش‌های آماری ضریب همبستگی و روش بارون و کنی با استفاده از رگرسیون خطی تحلیل شد. یافته‌های پژوهش نشان داد: الف) میان تعهد زناشویی با مرزهای بیرونی خانواده رابطه مثبت و معناداری وجود دارد؛ ب) میان تعهد زناشویی با تمایز یافتگی زوجین رابطه مثبت معنادار وجود دارد؛ ج) مرزهای زوجینی خانواده به‌صورت کامل در رابطه بین تمایز یافتگی خود و تعهد زناشویی، نقش میانجی دارد. براساس یافته‌های پژوهش، برای ارتقای سطح تعهد زناشویی، لازم است اصلاح و بهبود مرزهای زوجینی و تقویت تمایز یافتگی آنان مورد توجه قرار گیرد.

واژگان کلیدی: خانواده، تعهد زناشویی، مرزهای خانواده، مرزهای زوجینی، تمایز یافتگی زوجین.

۱. استادیار گروه روان‌شناسی، مجتمع آموزش عالی علوم انسانی اسلامی، جامعه المصطفی العالمیه
taghian@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی اسلامی، موسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت.
mghlo6936588@gmail.com

مقدمه

خانواده یکی از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی، اساس تشکیل جامعه و حفظ عواطف انسانی است و هرگونه نارسایی در عملکرد خانواده تبعاتی ناگوار، هم در سطح فردی و هم در سطح اجتماعی در پی دارد. یکی از نیازهای عاطفی انسان، ایجاد روابط انسانی است و ازدواج به عنوان ساختاری اساسی برای بنیان نهادن رابطه خانوادگی و صمیمیت (روزن^۱ و همکاران، ۲۰۰۴؛ به نقل از: عارفی و همکاران، ۱۳۹۵) و مهم‌ترین و اصلی‌ترین عامل ارتباطی میان انسان‌ها معرفی شده است (لوکاس، ۲۰۰۳^۲؛ به نقل از: مؤمنی، کاوسی امید و امانی، ۱۳۹۵).

ملحق شدن دو غیرهم‌جنس با قصد ازدواج، سرآغاز رسمی یک واحد جدید خانواده و زیرمنظومه زوجینی است (مینوچین و فیشرمن، ۱۹۸۶^۳). این زیرمنظومه متشکل از دو بزرگسال با جنسیت‌های مخالف است که با هدف ابزارشده تشکیل خانواده به هم ملحق شده و دارای نقش‌هایی است که برای عملکرد خانواده حیاتی می‌باشد (مینوچین، ۱۹۷۴). قرآن کریم ازدواج شرعی و همتایی اعتقادی را شرط صدق عنوان «زوجیت» دانسته و هرگاه چنین کفویتی وجود نداشته باشد، آنان را همسر به حساب نیاورده و از واژه «زوج» استفاده نکرده است (طیب‌حسینی و انصاریان، ۱۳۹۷)؛ پس در بینش قرآنی برخلاف رویکرد ساخت‌نگر،^۴ پایه‌ی اساسی خانواده هسته‌ای و گسترده، زن و شوهری است که از طریق قوانین شرعی خاص ازدواج کرده‌اند (سراقی و صفورایی پاریزی، ۱۳۹۸).

براساس عناصر به‌دست آمده از منابع اسلامی، می‌توان خانواده را به شرح ذیل تعریف کرد: «خانواده بنایی است که با پیمان زندگی مشترک یک زن و مرد مسلمان بنا نهاده می‌شود و براساس آن، اغلب زن و مرد با فرزندان و گاهی فرزند همسر، پدربزرگ و مادربزرگ در مسکنی واحد و در فضایی همراه با آرامش و محبت، تحت مدیریت و تأمین معیشت مرد زندگی می‌کنند؛ زوجین نسبت به نیازهای هم به‌ویژه نیاز جنسی مسئول و برای دیگران نقش محافظتی و پرورشی دارند» (همان).

در میان تعاملات گوناگون انسانی، تعهد مهم‌ترین جنبه کیفی یک رابطه است. پایبندی به عهد و پیمان ازدواج نیز به عنوان مکانیزمی دوام‌بخش اهمیت بسزایی دارد و از ویژگی‌های

1. Rozen.

2. Lokas.

3. Minuchin & Fishman.

۴. مینوچین بدون توجه به شکل‌گیری خانواده تصریح کرده است که هم‌خانگی‌های غیرقانونی زوج‌های هم‌جنس بچه‌دار نیز در رویکرد ما جا می‌گیرند (مینوچین و فیشرمن، ۱۹۸۶، ترجمه بهاری و سیا، ۱۳۸۶، ص ۳۸).

ازدواج‌های موفق و طولانی به شمار می‌رود (میچر، ۲۰۱۳؛ به نقل از مؤمنی و همکاران، ۱۳۹۵). تعهد زناشویی^۲ را می‌توان احساس تداومی تعریف کرد که در جاذبه و محدودیت‌ها پیدا می‌شود (نلسون^۳ و همکاران، ۲۰۱۱؛ به نقل از: امانی، ۱۳۹۴). تعهد ماهیت وابستگی فرد در رابطه را نشان می‌دهد، اینکه فرد در رابطه چه اندازه احساس امنیت می‌کند و تا چه حد احساس می‌کند که رابطه درازمدت ارزشمند است. جانسون^۴ تعهد زناشویی را شامل سه بُعد تعهد شخصی، تعهد اخلاقی و تعهد ساختاری می‌داند (شاکرمی، زهراکار و محسن‌زاده، ۱۳۹۳). تعهد شخصی، به معنای علاقه و تمایل فرد برای تداوم رابطه زناشویی و همین‌طور میزان اهمیت رابطه برای هویت فرد است (همان). بعد دیگر تعهد زناشویی، تعهد اخلاقی است که نشان‌دهنده میزان احساس تعهد فرد به ادامه رابطه است. ارزش‌ها و باورهای بنیادین فرد درباره مسیر رفتار درست در رابطه، بر محوریت تعهد اخلاقی قرار دارد (نلسون و همکاران، ۲۰۱۱؛ به نقل از: امانی، ۱۳۹۴). تعهد ساختاری به این معناست که فرد احساس می‌کند به دلیل عوامل خارجی باید در رابطه باقی ماند (تانگ و کوران،^۵ ۲۰۱۲؛ به نقل از: امانی، ۱۳۹۴).

هم تعهد نسبت به همسر و هم تعهد نسبت به نهاد ازدواج برای موفقیت یک ازدواج مهم است (لامرت و دولاهیت،^۶ ۲۰۰۸؛ به نقل از: امانی، ۱۳۹۵). هر ازدواج موفق حاوی سه رکن اساسی تعهد، جاذبه و تفاهم است که در این میان، تعهد زناشویی قوی‌ترین و پایدارترین عامل پیش‌بینی‌کننده کیفیت و ثبات زناشویی است (موسکو،^۷ ۲۰۰۹؛ به نقل از: امانی، ۱۳۹۵). سطوح بالای تعهد زناشویی با ابراز عشق بیشتر، سازگاری و ثبات زناشویی بالاتر، مهارت‌های حل مسئله مناسب‌تر و رضایت زناشویی رابطه دارد (زارعی و حسینی، ۱۳۹۳) و در صورتی که سطح تعهد زناشویی پایین‌تر بیاید منجر به دلزدگی زناشویی می‌شود (اسدی، فتح‌آبادی و محمدشرفی، ۱۳۹۲).

عوامل متعددی بر تعهد زناشویی تأثیر دارند. این عوامل را می‌توان در گستره‌ای از مسائل روانی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، جسمانی و معنوی جای داد و هر کدام می‌توانند به نوعی تعهد زناشویی زوجین را تقویت یا تضعیف نمایند. یکی از عوامل تأثیرگذار بر تعهد زناشویی زوجین، مرزهای زوجینی خانواده است. الیزر^۸ و مینوچین (۱۹۹۰) معتقدند «مرزهای زوجینی

1. Micher.

2. Marital commitment.

3. Nelson.

4. Janson.

5. Tang & kuran.

6. Lamert & Dulahit.

7. Mosoko.

8. Elizur.

خانواده» خطوط فرضی حاصل از الگوهای رفتاری، قوانین و انتظاراتی است که زیرمنظومه زوجینی را از سایر زیرمنظومه‌ها و بیرون خانواده متمایز کرده و کمیت و کیفیت تعاملات زوجین با یکدیگر و با بیرون از زیرمنظومه خود را معین می‌کند (رک: گلدنبرگ^۱ و گلدنبرگ، ۲۰۰۸). زیرمنظومه زوجینی دارای مرزهای بهنجار، با حفظ استقلال خود، با بیرون ارتباط دارد، در منظومه‌های دیگر مداخله نمی‌کند، اجازه دخالت نیز نمی‌دهد و زوجین با وجود اتحاد درونی، با بیرون تعامل دارند (نیکولز و نیکولز، ۲۰۰۶).

از سوی دیگر، خانواده، زیرمنظومه‌ها و مرزهای آن از موضوعات مهمی است که در آموزه‌های اسلامی با اهمیت و فراوانی بالا به آن پرداخته شده و ماهیت و محتوای مرزهای خانواده به روشنی بیان شده است. اهمیت مرزهای خانواده در آموزه‌های اسلامی بدان جهت است که ایفای نقش‌های خانوادگی و سلامت روانی، عاطفی، جنسی و سایر ابعاد سلامت اعضای خانواده به وجود مرزهای بهنجار خانواده بستگی دارد و این در صورتی است که زیرمنظومه زوجینی به عنوان اصلی‌ترین زیرسیستم خانواده دارای مرزهای بهنجار بوده و بتواند نقش خود را در کمال آرامش و بدون مداخله دیگران به صورت مطلوب ایفا نماید. نظام تعاملات زوجین در خانواده و قوانین آن در آموزه‌های اسلامی تحت عنوان اخلاقیات و احکام عملی ناظر به تنظیم روابط زیرمنظومه زوجینی با یکدیگر و با بیرون از خود و همچنین با خانواده اصلی بیان شده که از آن به الگوی اسلامی مرزهای زوجینی خانواده تعبیر می‌شود. تحلیل یافته‌های برآمده از متون اسلامی نشان می‌دهد که می‌توان برای زیرمنظومه زوجینی چند نوع مرز ترسیم نمود. بخشی از این مرزها ناظر به کیفیت و کمیت تعاملات زوجین با یکدیگر است و بخشی دیگر تعاملات زوجین با بیرون از خود و با خانواده‌های اصلی را شامل می‌شود (هوشیاری، صفورایی، جزایی و تقیان، ۱۳۹۹ الف).

اهمیت مرزهای زوجینی در اندیشه قرآنی به اندازه‌ای است که شرط دستیابی به اهداف والای ازدواج^۲ و حتی شرط صلح زوجین و رجوع بعد از طلاق؛ پابندی به آنها دانسته شده^۳ و خدای تعالی خوف ناپابندی به مرزهای زوجین یا همان اوامر و نواهی الهی مرتبط

1. Goldenberg.

۲. روم: ۲۱-۲۳؛ مؤمنون: ۶؛ «لَتَشْكُنُوا إِلَيْهَا» در آیه ۲۳ روم و «لَتَشْكُنُوا إِلَيْهَا» در آیه ۱۸۹ اعراف؛ طبرسی، ۱۴۰۷، ص ۱۹۷.

۳. «فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يَتَرَاجَعَا إِنْ ظَنَّا أَنْ يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ» (بقره: ۲۳۰).

به تعاملات زوجینی^۱ را مجوز طلاق قرار داده است.^۲ به مردان نامحرم نیز دستور داده است احترام زیرمنظومه^۳ زوجینی و پیمان زناشویی زنان را نگاه دارند و از نزدیک شدن به حریم آنان پرهیزند^۴ (هوشیاری و همکاران، ۱۳۹۹، ب).

«تعهد خاص زناشویی» به معنای محدود کردن روابط عاطفی-جنسی به همسر از مرزهای زیرمنظومه^۵ زوجینی به شمار می‌رود. وارد نشدن در دوستی‌های پنهانی با نامحرم، نشکستن انحصار جنسی زوجینی حتی با تنوع طلبی حلال، وارد نشدن در حریم جنسی دیگران با نگاه، سخن و رفتار، خارج نشدن از حریم زوجینی حتی در فکر، خودآرایی کردن همسران تنها برای همدیگر، وارد نکردن دیگران در حریم عاطفی-جنسی زوجینی حتی در فکر همگی به دلیل اینکه تعیین‌کننده^۶ کمیت و کیفیت تعاملات زوجین با بیرون از حریم خصوصی همسران هستند و قابل توافق و تغییر نمی‌باشند، از جمله مرزهای انعطاف‌ناپذیر زیرمنظومه^۷ زوجینی به شمار می‌آیند. «حدود تعاملات جنسی همسران» یکی از مرزهای زیرمنظومه^۸ زوجینی است که مصادیق آن عبارت‌اند از: تعدی نکردن از حدود آمیزش جنسی متعارف حلال مگر با رضایت طرف مقابل، ممنوعیت آسیب جسمانی زوجین به یکدیگر، پایبندی به حدود زمانی آمیزش جنسی از جمله: نزدیکی نکردن در عادت ماهانه، روزه‌داری و بیماری یکی از زوجین؛ پایبندی به حدود مکانی همچون: ترک آمیزش جنسی در مکان وجود ناظر محترم حتی کودک؛ پایبندی به حدود کمی آمیزش جنسی، مانند ترک نکردن آمیزش بیش از چهار ماه با عدم رضایت همسر، رعایت عدالت در تعدد زوجات؛ پایبندی به حدود روانی-عاطفی آمیزش جنسی از جمله: آراستگی فردی زوجین، پاسخ‌گویی به نیازهای طرفینی و پرهیز از بی‌اعتنایی و بی‌میلی و ایجاد لذت جنسی طرفینی. «حقوق و تکالیف متقابل همسران» چون در واقع مشخص‌کننده^۹ گستره و محدوده^{۱۰} انتظارات فرد از دیگران و دیگران از فرد می‌باشند، داخل در مرزهای خانواده هستند. سرپرستی و مدیریت خانواده توسط مرد و عدم امکان ورود یا واگذاری آن به زن، پذیرش مدیریت و سرپرستی مرد توسط زن با مظاهر: وجوب اطاعت از شوهر و عدم خروج از خانه بدون اذن او، کیفیت و کمیت مدیریت و کنترل مرد نسبت

۱. قدر متیقن از «أَنْ يُخَافَ أَلَّا يُتِمِّمَ حُدُودَ اللَّهِ» تعهد خاص زناشویی می‌باشد؛ اما بیشتر مفسرین به اطلاق آیه اخذ کرده و آن را به معنای تعهد عام زناشویی معنا کرده‌اند (قرطبی، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۲۱۸؛ طباطبایی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۳۵۲؛ طبرسی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۵۷۸؛ طبری، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۲۸۱؛ مقدس اردبیلی، بی‌تا، ص ۶۰۷).

۲. «...إِنْ جُفْتُمُ أَلَّا يُتِمِّمَ حُدُودَ اللَّهِ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا فِيمَا افْتَدَتْ بِهِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ» (بقره: ۲۲۹).

۳. «حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ الْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ» (نساء: ۲۲-۲۳)؛ «...لَا تَغْرِبُوا عَقْدَةَ النِّكَاحِ حَتَّى يَبْلُغَ الْكِتَابَ أَجَلَهُ...» (بقره: ۲۳۵).

به همسرش، ممنوعیت بدگمانی و غیرت بی جا و حرمت نسبت ناروای روابط فرازنشجویی، ممنوعیت توهین و تحقیر برخی از مصادیق حقوق و تکالیف مشترک و اختصاصی همسران و از جمله مرزهای زیرمنظومه زوجینی به شمار می‌روند. پایبندی زوجین به حدود اقتصادی خانواده از جمله: تأمین نیازهای مادی، پرداخت مهریه، توسعه برعیال، احسان و انفال واجب والدین توسط مرد و قدردانی، رضامندی، سازگاری و قناعت توسط زن، استقلال اقتصادی زن در اموال شخصی، احسان واجب والدین از اموال شخصی و طرفینی با رضایت مرد. برخی موارد همچون صله و انفاق واجب والدین توسط مرد از حدود رفتاری اوست و زن نمی‌تواند در آن ورود و ممانعت نماید. انفاق واجب والدین زن از اموال شخصی خود و صله و انفاق مستحب والدین زوجین از اموال مشترک جزء مرزهای انعطاف پذیر اقتصادی زوجینی است و همسران می‌توانند با رضایت طرفینی نسبت به آنها اقدام کنند. سرنوشت دینی همسران تا جایی که به خانواده ارتباط دارد، حریم خصوصی به حساب نمی‌آید و زوجین باید نسبت به کمال معنوی و تربیت دینی یکدیگر حساس بوده و در این مسیر همدیگر را یاری نمایند (هوشیاری و همکاران، ۱۳۹۹، ب).

«فضای روانی-فیزیکی ویژه همسران» و «رازداری زناشویی» دو مرز دیگر زیرمنظومه زوجینی است. عدم افشای مشکلات و تعارضات داخلی خانواده، حفظ اسرار همسر، حفظ حریم روانی-جنسی همسر، فاش نکردن جزئیات روابط جنسی، پنهانی بودن آمیزش جنسی همسران از مصادیق مرزهای اطلاعاتی و رازداری زناشویی هستند. «مرزهای اخلاقی» به معنای معاشرت معروف، بخشی دیگر از حدود تعاملات همسران است که نرمی و نفوذپذیری در برابر همسریکی از مهم‌ترین لوازم آن است (هوشیاری و همکاران، ۱۳۹۹، ب).

یکی دیگر از متغیرهای مؤثر در تعهد زناشویی، تمایز یافتگی^۱ زوجین است. نتایج بسیاری از پژوهش‌ها نشان می‌دهد که بین سلامت روانی افراد و ویژگی‌های روانی و شخصیتی آنها با پایبندی به تعهداتشان رابطه مثبت و معنادار وجود دارد (ویتسون، ۲۰۰۳؛ به نقل از: مؤمنی و همکاران، ۱۳۹۵) و یکی از مهم‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های تعهد زناشویی ویژگی‌های شخصیتی و روانی فرد است (گودنفورد و آکتیو، ۲۰۰۸، ۳).

1. Differention.
2. Wetson.
3. Gudenford & Aktiv.

از بانفوذترین دیدگاه‌ها در این زمینه، نظریه تمایز یافتگی بوئن^۱ است که بر روابط اولیه در خانواده تکیه دارد و آن را بر روابط بعدی مؤثر می‌داند (یونگ، کلاسکو و ویشار، ۲۰۰۳). تمایز یافتگی به منزله یکی از عوامل پایدار و چند نسلی نشان می‌دهد که چگونه خانواده مبدأ شخص، می‌تواند بر روابط زناشویی فرد تأثیر بگذارد (یونگ و همکاران، ۲۰۰۳، به نقل از: عارفی و همکاران، ۱۳۹۵). درجه ظهور تمایز یافتگی بیانگر میزان توانایی فرد برای جداسازی فرایند شناختی از فرایند احساسی (هیجانی) تجربه شده است. در تعریفی دیگر تمایز یافتگی خود شامل جدا شدن سالم یا توانایی حفظ عینیت به وسیله جدا کردن عواطف از شناخت است (گلادینگ، ۲۰۱۳، ترجمه تاجیک اسماعیلی و رسولی، ۱۳۹۲).

مفهوم خودتمایز سازی همان‌طور که بوئن بیان کرد، اغلب در ادبیات خانواده درمانی بد تعبیر شده و با استقلال یا فردیت یکسان تلقی می‌شود. هرچند ابعاد آن مشابه است، اما فردیت و جدایی با خودتمایز سازی برابر نیست (یوسفی، عزیز، ۱۳۹۷). انتظار می‌رود زن و مردی که سطح تمایز یافتگی پایینی دارند، در زمان ازدواج، بلوغ هیجانی کمتر و ظرفیتی محدود برای صمیمیت و یکی شدن داشته باشند. در مقابل، در نظام‌های زناشویی تمایز یافته، همسران به یکدیگر اجازه می‌دهند که نقش انعطاف‌پذیر و رابطه‌ای صمیمانه‌تر داشته باشند و تفاوت عقاید یکدیگر را تحمل و واکنش هیجانی کمتری را تجربه کنند (کرو یولن، ۱۹۸۸^۴؛ به نقل از: مؤمنی و همکاران، ۱۳۹۵).

از دیدگاه نظری، دست‌کم چهار عامل مؤثر در سطح تمایز خود وجود دارد: واکنش عاطفی، جدایی عاطفی، آمیختگی با دیگران و موقعیت من. به بیان دیگر، چهار ویژگی اصلی افراد تمایز یافته عبارت‌اند از: ۱. افراد تمایز یافته ممکن است عواطف شدیدی را تجربه کنند، اما توسط این عواطف تحلیل نمی‌روند و واکنش این دسته افراد کنترل شده است؛ ۲. زمانی که تجربه‌های درونی یا تعاملات بین فردی بسیار تنش‌زا باشد، افراد تمایز یافته لزومی احساس نمی‌کنند که از لحاظ عاطفی از دیگران جدا شوند. این‌گونه افراد از هویتی محکم برخوردارند؛ ۳. افراد تمایز یافته در روابط صمیمانه قادرند خود تعریف شده خویش را حفظ کنند و با دیگران آمیخته نشوند؛ ۴. افراد تمایز یافته ذاتاً خودرهبند، افکار و احساسات خاص خودشان

1. Buan.
2. Young , klasko & Weishaar.
3. Glading.
4. Ker & Yulan.

را دارند و اجباری در وفق دادن خود با انتظاراتهای دیگران ندارند (تاپسون و فریدلندر،^۱ ۲۰۰۰؛ به نقل از: یوسفی و عزیز، ۱۳۹۷).

از آنجا که تعهد زناشویی زیربنای سلامت کل خانواده به شمار می‌رود و مهم‌ترین هدف ازدواج، یعنی رسیدن به آرامش و سلامت روانی حاصل از آن، در سایه تعهد زناشویی قابل دستیابی است؛ به همین جهت بازخوانی و کاربست عوامل مؤثر بر تعهد زناشویی برای رسیدن به سلامت فردی، خانوادگی و اجتماعی ضرورت دارد. طبق بررسی‌های انجام شده، تحقیقاتی در رابطه با تعهد زناشویی و متغیرهای مرتبط با آن صورت گرفته است. رزن-گاراندون، میرز و هاتی^۲ (۲۰۰۴) در یک بررسی روی ویژگی‌های زوج‌هایی که بیش از ۴۵ سال از ازدواجشان گذشته بود، دریافتند که اکثریت این زوج‌ها به همسر و ازدواجشان متعهد بودند و رضایت زناشویی خویش را به مؤلفه تعهد اسناد می‌دادند (به نقل از: مؤمنی و همکاران، ۱۳۹۵). همچنین، نتایج پژوهش‌ها نشان داده است که سطوح بالاتر تعهد زناشویی با ابراز عشق بالا (کلمنس و اسونسون،^۳ ۲۰۰۰)، درگیری‌ها و اختلافات زناشویی پایین (اسکانونی و تراهاگ، ۱۹۸۵)، بخشودگی بالا (فیتک^۴ و همکاران، ۲۰۰۲)، تعارض زناشویی پایین (اسکانونی و آرنت، ۱۹۸۷) و خیانت پایین (هریس و لی،^۵ ۲۰۰۷)، در ارتباط است.

میلرو آندرسون و کلا^۶ (۲۰۰۴)، اسکورون^۷ (۲۰۰۰)، مؤمنی و علیخانی (۱۳۹۲) و ولدخانی (۱۳۸۷)، نیز در پژوهش‌های خود به‌طور مشابه به این نتیجه رسیدند که زوج‌هایی که از سطح تمایز یافتگی بالایی برخوردارند در زندگی زناشویی سازگاری بیشتر و به دنبال آن تعهد زناشویی بالاتری دارند. نتیجه پژوهش زارعی و حسینقلی (۱۳۹۳)، نشان داد که تمایز یافتگی با تعهد زناشویی رابطه مثبت دارد. مؤمنی و همکاران (۱۳۹۵)، نیز به این نتیجه رسیدند که تمایز یافتگی تعهد زناشویی را پیش‌بینی می‌کند و بین آنها رابطه مثبت وجود دارد.

یافته‌های پژوهش زارع‌گاریزی، ابراهیمی مقدم و ابوالمعالی الحسینی (۱۳۹۹) نشان داد که تمایز یافتگی خود رابطه میان نیازهای بنیادین روان‌شناختی و تعهد زناشویی را از یک سو و رابطه بین صمیمیت زناشویی و تعهد زناشویی را از سوی دیگر میانجی‌گری می‌کند و بین

1. Tapson & Fredlander.

2. Rezan Garandon & Merz & Hati.

3. Kelemens & Esonson.

4. Fitk.

5. Eskanzoni & Arent.

6. Haris & Li.

7. Miller, Anderson & Kela.

8. Eskoron.

آنها همبستگی مثبت وجود دارد. نتایج پژوهش صادقی، قادری جاوید و شلانی (۱۳۹۸)، نشان داد که ویژگی‌های شخصیت، سبک‌های دلبستگی و جهت‌گیری مذهبی، پیش‌بینی‌کننده تعهد زناشویی هستند. محمدپور، فرح‌بخش، حسینی و بلوچ‌زاده (۱۳۹۷) به این نتیجه رسیدند که میان سبک‌های دلبستگی و تعهد زناشویی رابطه معنادار وجود دارد.

با وجود تحقیقاتی که به آن اشاره شد، می‌توان گفت، تحقیقاتی در رابطه با تعهد زناشویی و متغیرهای مرتبط با آن صورت گرفته است، اما تاکنون رابطه تعهد زناشویی با مرزهای زوجینی و تمایز یافتگی زوجین بررسی نشده است؛ از این رو، پژوهش حاضر با همین هدف در پی آزمون فرضیه‌های ذیل است: بین تعهد زناشویی با مرزهای زوجینی خانواده رابطه وجود دارد؛ بین تعهد زناشویی با تمایز یافتگی زوجین رابطه وجود دارد؛ مرزهای زوجینی در رابطه بین تمایز یافتگی خود و تعهد زناشویی نقش میانجی دارد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر با توجه به هدف و کاربرد آن، جزء تحقیقات کاربردی است. از نظر روش پژوهش و شیوه گردآوری داده‌ها از نوع توصیفی-همبستگی است و برای گردآوری اطلاعات از روش میدانی استفاده شده است.

جامعه آماری و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری این پژوهش، زنان و مردان متأهل شهر قم بود که با روش گلوله‌برفی ۲۱۰ نفر از آنان انتخاب شدند و به پرسش‌های پژوهش پاسخ دادند.

ابزار پژوهش

در این پژوهش از سه پرسشنامه تعهد زناشویی، مرزهای زوجینی خانواده و تمایز یافتگی زوجین استفاده شده است.

پرسشنامه تعهد زناشویی: این پرسشنامه میزان پایبندی افراد به همسر و ازدواجشان و ابعاد آن را اندازه‌گیری می‌کند. پرسشنامه مذکور به وسیله آدامز و جونز (۱۹۹۷) تهیه و تدوین شده و سه بعد تعهد زناشویی را اندازه‌گیری می‌کند که شامل تعهد شخصی، تعهد اخلاقی و تعهد

ساختاری است. پرسشنامه دارای ۴۴ گویه بوده و نمره‌گذاری آن براساس طیف لیکرت پنج‌درجه‌ای و از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم می‌باشد. آدامز و جونز در شش پژوهش گوناگون برای رسیدن به پایایی و روایی پرسشنامه، آن را در نمونه‌ای متشکل از ۴۱۷ نفر متأهل، ۳۴۷ نفر مجرد و ۴۶ نفر مطلقه اجرا کردند. پایایی کل پرسشنامه ۰/۸۲ گزارش شده است. در پژوهش زارعی و حسینقلی (۱۳۹۳) نیز ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۰ به دست آمد. در اعتباریابی آزمون توسط (شاه‌سیاه، بهرامی و محبی، ۱۳۸۸) روایی محتوایی توسط استادان دانشگاه اصفهان تأیید و آلفای کرونباخ ۰/۸۵ به دست آمد.

پرسشنامه مرزهای زوجینی خانواده: پرسشنامه ۶۶ سؤالی مرزهای زوجینی خانواده در سال ۱۳۹۹ توسط هوشیاری براساس آموزه‌های اسلامی ساخته و ویژگی‌های روان‌سنجی آن بررسی شده است و شش زیرمولفه تعهد خاص زناشویی، مرزهای تعاملات جنسی زوجین، مرزهای تعاملات غیرجنسی زوجین، فضای روانی-فیزیکی اختصاصی، رازداری خانوادگی-زناشویی و حدود انتظارات دوسویه را اندازه‌گیری می‌کند. روایی ابزار با روش تحلیل عاملی تأیید و پایایی آن با روش آلفای کرونباخ ۰/۹۲ محاسبه شد. به منظور بررسی روایی سازه و برآورد پارامترهای گویه‌ها؛ پرسشنامه ۶۶ گویه‌ای بر روی نمونه‌ای ۵۰۸ نفری از جامعه آماری اجرا شد. نتایج تحلیل عاملی، تأییدکننده روایی سازه پرسشنامه و مرزهای زوجینی است و کلیه شاخص‌ها نشان‌دهنده برازش مناسب مدل تحلیل عاملی تأییدی پرسشنامه مرزهای درونی زوجینی است. به عنوان شاهدهی برروایی سازه، میانگین نمره دو گروه از پاسخ‌گویان با هم مقایسه شد. نتایج نشان داد به صورت معناداری میانگین نمره مرز در گروه پاسخ‌گویان دارای اختلال خانواده کمتر از میانگین نمره در خانواده‌های عادی است و پرسشنامه به خوبی توانسته بین دو گروه خانواده‌های عادی و دارای اختلال خانوادگی تفکیک قائل شود. نمره‌گذاری گویه‌های این پرسشنامه به صورت لیکرت چهاردرجه‌ای است؛ بنابراین، حداکثر نمره آزمودنی در این پرسشنامه ۲۶۴ و کمترین نمره ۶۶ است. پرسش‌های ۱۱-۱۷-۲۵-۳۲-۳۴-۳۵-۳۷-۴۳-۴۵-۴۶-۴۷-۵۰-۵۱-۵۲-۵۳-۵۵-۵۸-۶۱-۶۲-۶۴-۶۶ به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. نمره بالا در این پرسش‌ها، نشان‌دهنده مطابقت تعاملات آنان با معیارهای دینی، نگرش مثبت زوجین نسبت به یکدیگر و پایبندی آنان به قوانین اخلاقی و حقوقی زیرمنظومه زوجینی است و از بهنجار بودن مرزهای زوجینی حکایت می‌کند.

پرسشنامه استاندارد تمایز یافتگی خود: پرسشنامه تمایز یافتگی ابزاری ۴۵ سؤالی است که توسط اسکورن و فریدلندر (۲۰۰۳) به منظور سنجش تمایز یافتگی افراد طراحی و تدوین شده است. پرسشنامه استاندارد تمایز یافتگی خود شامل ارتباط های مهم زندگی و روابط جاری افراد با خانواده اصلی است. این پرسشنامه دارای ۴ خرده مقیاس واکنش پذیری عاطفی، جایگاه من، گریز عاطفی و هم آمیختگی با دیگران است. نمره گذاری این پرسشنامه بر اساس طیف شش گزینه ای لیکرت است. نمره کمتر در این پرسشنامه نشان دهنده سطوح پایین تر تمایز یافتگی است. ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شده در پژوهش خطیبی (۱۳۹۴) برای این پرسشنامه بالای ۰/۷ برآورد شد. ضریب آلفای گزارش شده توسط اسکورن و فریدلندر برای پرسشنامه تمایز یافتگی خود ۰/۸۸ است.

یافته های پژوهش

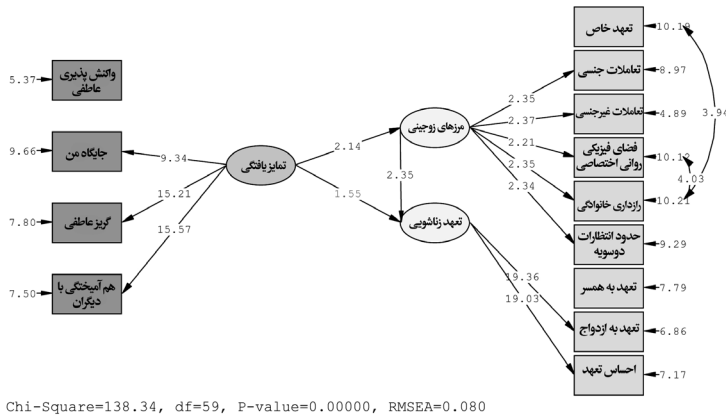
۶۸ نفر (۳۲/۴ درصد) پاسخگویان مرد و ۱۴۲ نفر (۶۷/۶ درصد) زن بوده اند. ۷/۱ درصد پاسخگویان کمتر از ۲۵ سال داشته اند. ۲۰/۵ درصد بین ۲۶ تا ۳۰ سال داشته اند. سن ۲۴/۸ درصد پاسخگویان بین ۳۱ تا ۳۵ سال است و سن ۴۷/۶ درصد نیز بیش از ۳۵ سال بوده است. تحصیلات ۱۱/۴ درصد پاسخگویان در حد دیپلم و کمتر بوده است. ۳/۳ درصد دارای تحصیلات کاردانی و ۲۳/۸ درصد دارای تحصیلات کارشناسی بوده اند. ۴۱/۹ درصد تحصیلات خود را در حد کارشناسی ارشد عنوان کرده اند و ۵/۷ درصد تحصیلات دکتری داشته اند. ۱۳/۸ درصد نیز عنوان کرده اند که دارای تحصیلات حوزوی هستند. میانگین، انحراف معیار و ضرایب همبستگی متغیرهای تحقیق در جدول ۱ ارائه شده است. همبستگی میان همه متغیرهای تحقیق مثبت و معنادار است؛ بنابراین، می توان از داده های تحقیق به منظور بررسی رابطه میان تمایز یافتگی خود و تعهد زناشویی با واسطه مرزهای زوجینی استفاده کرد.

جدول ۱: آمارهای توصیفی و ضرایب همبستگی متغیرهای تحقیق

متغیرهای تحقیق	M	Std	مرز زوجینی	تمایز یافتگی خود	تعهد زناشویی
مرز زوجینی	۱۵۱/۹	۱۹/۲۹	۱		
تمایز یافتگی خود	۱۲۱/۱	۱۶/۳۷	۰/۳۳۸**	۱	
تعهد زناشویی	۱۳۶/۳	۲۰/۸۸	۰/۸۰۳**	۰/۳۵۷**	۱

برای بررسی نقش میانجی مرزهای زوجینی در رابطه بین تمایز یافتگی و تعهد زناشویی، از تحلیل

معادلات ساختاری استفاده شده است. نمودار معادلات مذکور در نمودار ۱ ارائه شده است.



نمودار ۱: نمودار معادلات ساختاری پیش‌بینی تعهد زناشویی براساس تمایز یافتگی با نقش واسطه‌ای مرزهای زوجینی

شاخص‌های برازش مدل ($\chi^2/df = 2/34$) نشان‌دهنده مناسب بودن مدل معادلات ساختاری برای پیش‌بینی تعهد زناشویی براساس تمایز یافتگی با نقش واسطه‌ای مرزهای زوجینی است. جدول شماره ۲ ضرایب مسیر و اثرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای تحقیق را نشان می‌دهد.

جدول ۲: اثرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای تحقیق

R ²	اثر کل		اثر غیرمستقیم		اثر مستقیم		متغیرهای برون‌زا	متغیر درون‌زا
	t	ضریب استاندارد	T	ضریب استاندارد	t	ضریب استاندارد		
۰/۸۲	۲/۳۵	۰/۸۸	-	-	۲/۳۵	۰/۸۸	مرزهای زوجینی	تعهد زناشویی
	۵/۴۲	۰/۳۹	۴/۶۴	۰/۳۲	۱/۵۵	۰/۰۷	تمایز یافتگی خود	
۰/۱۳	۲/۱۴	۰/۳۶	-	-	۲/۱۴	۰/۳۶	تمایز یافتگی خود	مرزهای زوجینی

همان‌گونه که در جدول ۲ مشاهده می‌شود تمایز یافتگی بر مرزهای زوجینی تنها اثر مستقیم دارد که اثرات یادشده نیز مثبت و معنادار است. تمایز یافتگی خود ۱۳ درصد واریانس مرزهای زوجینی را تبیین می‌کند.

مرزهای زوجینی بر تعهد زناشویی تنها اثر مستقیم دارد که این اثر مثبت و معنادار است. اثر غیرمستقیم تمایز یافتگی بر تعهد زناشویی نیز مثبت و معنادار است؛ اما اثر مستقیم تمایز یافتگی بر تعهد زناشویی غیرمعنادار شده است. به دیگر سخن، مرزهای زوجینی

به صورت کامل در رابطه بین تمایز یافتگی و تعهد زناشویی نقش میانجی داشته است. همچنین، ۸۲ درصد واریانس تعهد زناشویی توسط اثرات مستقیم و غیرمستقیم مرزهای زوجینی و تمایز یافتگی تبیین می‌شود.

نسبت اثر غیرمستقیم به کل اثر تمایز یافتگی زوجین بر تعهد زناشویی ۰/۸۲ است. به عبارت دیگر، ۸۲ درصد ارتباط بین تمایز یافتگی زوجین و تعهد زناشویی از مسیر مرزهای زوجینی خانواده می‌گذرد.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر بررسی نقش میانجی مرزهای زوجینی در رابطه بین تعهد زناشویی و تمایز یافتگی خود بود. نتایج حاصل از ضریب همبستگی نشان داد که بین تعهد زناشویی و مرزهای زوجینی خانواده رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. بنابراین، فرضیه اول پژوهش مبنی بر وجود رابطه میان تعهد زناشویی و مرزهای زوجینی تأیید شد. از آنجاکه تاکنون پژوهشی بر روی مرزهای زوجینی انجام نشده است، امکان مقایسه نتایج وجود ندارد. در تبیین این یافته می‌توان گفت: یکی از عوامل تأثیرگذار بر تعهد زناشویی زوجین، مرزهای زوجینی خانواده است. «تعهد خاص زناشویی» به معنای محدود کردن روابط عاطفی-جنسی به همسر از مرزهای زیرمنظومه زوجینی به شمار می‌رود. وارد نشدن در دوستی‌های پنهانی با نامحرم، نشکستن انحصار جنسی زوجینی حتی با تنوع‌طلبی حلال، وارد نشدن در حریم جنسی دیگران با نگاه، سخن و رفتار، خارج نشدن از حریم زوجینی حتی در فکر، خودآرایی کردن همسران تنها برای همدیگر، وارد نکردن دیگران در حریم عاطفی-جنسی زوجینی حتی در فکر، همگی به دلیل اینکه تعیین‌کننده کمیت و کیفیت تعاملات زوجین با بیرون از حریم خصوصی همسران هستند و قابل توافق و تغییر نمی‌باشند، از جمله مرزهای انعطاف‌ناپذیر زیرمنظومه زوجینی به حساب می‌آیند و افرادی که پایبند به رعایت مرزهای زوجینی هستند افراد متعهد به زندگی زناشویی به شمار می‌روند؛ بنابراین وجود رابطه بین این دو متغیر دور از انتظار نیست.

یافته دیگر پژوهش حاضر این است که بین تعهد زناشویی و تمایز یافتگی خانواده رابطه مثبت و معنادار وجود دارد؛ بنابراین فرضیه دوم پژوهش مبنی بر وجود رابطه میان تعهد زناشویی و تمایز یافتگی تأیید شد. این یافته با نتایج پژوهش‌های پیشین اکلن و کرامر، ۱۹۸۷؛ هاوس و مالی‌نکرد، ۱۹۹۸؛ اسکورن و دندی، ۲۰۰۴؛ میلر، اندرسون و کلا، ۲۰۰۴؛ پیلاژ، ۲۰۰۸؛ اسکورن، ۲۰۰۰؛ جمالی مطلق و همکاران،

۲۰۱۳؛ زارعی و حسینی، ۱۳۹۳؛ مؤمنی و همکاران، ۱۳۹۵؛ زارع‌گاریزی و همکاران، ۱۳۹۹؛ اصلانی، عبدالمهدی و امان‌الهی، ۱۳۹۶) همسواست. در تبیین این یافته می‌توان گفت یکی از مهم‌ترین اهداف تشکیل خانواده رسیدن به آرامش است و برای تحقق این آرامش تعهد زناشویی اهمیت و نقش بسزایی دارد. طبق نظر گلن و کرامر (۱۹۸۷) تجربیات و مشخصه‌های فردی با تعهد زناشویی در ارتباط هستند. تمایز یافتگی خود به عنوان یکی از مشخصه‌های فردی با تعهد زناشویی ارتباط دارد. درجه توانایی فرد برای اجتناب از تبعیت خودکار رفتار از احساسات، بیانگر میزان تمایز یافتگی خود است و هدف اصلی آن توازن میان احساسات و شناخت است. آستین و سولومون (۲۰۱۶) به نقل از: زارع‌گاریزی و همکاران، ۱۳۹۹، نگره تمایز یافتگی خود را توانایی ایجاد تعادل در دو سطح درون‌روانی و فراروایی / بین فردی تعریف می‌کنند. به باور آنها، تمایز با توجه به کارکرد درون‌روانی، توانایی جداسازی فرایندهای عاطفی از فرایندهای عقلانی را دارد و با توجه به کارکرد بین فردی، توانایی تجربه کردن صمیمیت همراه با استقلال در روابط بین فردی و تعادل مناسب میان آنها را نشان می‌دهد. تمایز یافتگی خود، ظرفیت تفکر و انعکاس است که فرد به طور خودکار به فشارهای هیجانی درونی یا بیرونی پاسخ ندهد. افراد تمایز یافته در روابطشان از خودمختاری بیشتری برخوردارند و تمایل دارند صمیمیت بیشتری بدون غرق شدن در احساسات داشته باشند. همین ویژگی افراد تمایز یافته است که باعث استحکام روابط زوج‌ها و افزایش تعهد زناشویی می‌شود.

یافته دیگر پژوهش حاضر نشان داد مرزهای زوجینی خانواده در رابطه بین تمایز یافتگی زوجین و تعهد زناشویی نقش میانجی دارد؛ بنابراین، فرضیه سوم پژوهش نیز تأیید شد. از آنجاکه تاکنون تحقیقی با هدف بررسی این نقش واسطه‌ای انجام نشده، امکان مقایسه یافته‌ها وجود ندارد. در تبیین این یافته می‌توان گفت: زوجینی که از سطح تمایز یافتگی بالایی برخوردارند، در زمان ازدواج، بلوغ هیجانی بیشتری برای صمیمیت و یکی شدن با هم داشته و پس از ازدواج نیز به یکدیگر اجازه می‌دهند که نقش انعطاف‌پذیر و رابطه‌ای صمیمانه‌تر داشته باشند و تفاوت عقاید یکدیگر را تحمل و واکنش هیجانی کمتری را تجربه کنند. این ویژگی سبب می‌شود زوجین با رعایت حدود مرزهای عاطفی، جنسی و غیرجنسی سطح بالایی از آرامش و تعامل را در خانواده به نمایش گذارند که این مسئله با تعهد زوجین نسبت به زندگی مشترک همراه خواهد بود. هرچند ممکن است زوجین در زندگی خود با تکانه‌های عاطفی و

هیجانی شدیدی روبه‌رو شوند؛ اما در نتیجه تمایز یافتگی، به دلیل واکنش‌پذیری عاطفی بالا، توسط این عواطف تحلیل نمی‌روند؛ بلکه تلاش می‌کنند این عواطف را مدیریت نمایند تا از ثبات جو عاطفی و روانی حاکم بر خانواده کاسته نشود. ایفای نقش متقابل زوجین در این زمینه باعث ایجاد علاقه به تداوم شرایط خانوادگی و تعهد نسبت به طرف مقابل می‌شود. تمایز یافتگی به منزله یکی از عوامل تنظیم روابط عاطفی با دیگران مشخص می‌کند که چگونه فرد ضمن ارتباط با خانواده مبدأ خود، روابط عاطفی مطلوبی با همسر خود داشته باشد. درجه ظهور تمایز یافتگی بیانگر میزان توانایی فرد برای جداسازی فرایند شناختی از فرایند احساسی تجربه شده است؛ این توانایی باعث می‌شود زوجین حقوق و تکالیف متقابل با همسر خود و تفاوت‌های واقعی منتسب به جنسیت را پذیرفته و اجازه ندهند قواعدی مانند سرپرستی و مدیریت خانواده توسط مرد و عدم امکان ورود یا واگذاری آن به زن، پذیرش مدیریت سرپرستی مرد توسط زن با مظاهر؛ وجوب اطاعت از شوهر و عدم خروج از خانه بدون اذن او، کیفیت و کمیت مدیریت و کنترل مرد نسبت به همسرش بر تعهد آنها نسبت به زندگی زناشویی تأثیر داشته باشد.

افراد با سطح تمایز یافتگی بالاتر توان مدیریت احساسات و عواطف خود را دارند؛ بنابراین، می‌توانند به صورت کامل روابط عاطفی-جنسی خود را به همسر خود محدود کنند؛ در روابط خود به حدود روانی-عاطفی ارتباط با یکدیگر از جمله: آراستگی فردی، پاسخ‌گویی به نیازهای طرفینی و پرهیز از بی‌اعتنایی و بی‌میلی به همدیگر پایبند باشند. تقید به این حدود تعاملات زوجینی باعث افزایش تعهد زناشویی می‌شود. زوجینی که سطح تمایز یافتگی بالایی را تجربه می‌کنند، دارای هویتی محکم هستند؛ بنابراین، این توان را دارند که مشکلات و تعارضات داخلی خانواده را افشا نکنند، اسرار و حریم روانی-جنسی همسر خود را حفظ کنند و جزئیات روابط جنسی با همسرشان را فاش نکنند. تعهد به این مرزهای اطلاعاتی و رازداری در روابط زناشویی منجر به مستحکم شدن تعهد نسبت به زندگی مشترک می‌شود.

بر اساس یافته‌های پژوهش، به زوجین، مشاورین و درمانگران خانواده پیشنهاد می‌شود برای ارتقای سطح تعهد زناشویی، اصلاح و بهبود مرزهای زوجینی و تقویت تمایز یافتگی زوجین را مورد توجه قرار دهند.

منابع

۱. قرآن کریم ترجمه مکارم شیرازی. (۱۳۷۶). تهران: دارالقرآن الکریم.
۲. اسدی، عدالت؛ فتح‌آبادی، محمد؛ شریفی، فؤاد. (۱۳۹۲). بررسی رابطه بین دلزدگی زناشویی، باورهای بدکاری جنسی و احقاق جنسی در زنان متأهل، مجله علمی و پژوهشی مشاوره و روان‌درمانی خانواده. زمستان، ۳(۴)، ۶۶۱-۶۸۴.
۳. اصلانی، خالد؛ عبدالهی، نیره؛ امان‌الهی، عباس. (۱۳۹۶). رابطه سبک دلبستگی با تعهد زناشویی با میانجی‌گری تمایز یافتگی خود و احساس گناه در دانشجویان زن متأهل شهر اهواز. فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهش‌های مشاوره، ۱۶(۱)، ۱۹۹-۲۲۰.
۴. امانی، احمد. (۱۳۹۴). اثربخشی واقعیت‌درمانی گروهی بر عزت‌نفس و تعهد زناشویی زوجین، مجله مشاوره و روان‌درمانی خانواده. ۲۳-۱، (۲)، ۵-۲۳.
۵. خطیبی، شهلا. (۱۳۹۴). اثربخشی واقعیت‌درمانی در تمایز یافتگی و هم‌وابستگی زوجین ناسازگار، پایان‌نامه، کارشناسی ارشد، رشته روان‌شناسی بالینی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، گروه آموزش علوم انسانی.
۶. زارع‌گاریزی، معصومه؛ ابراهیمی مقدم، حسین؛ ابوالمعالی‌الحسینی، خدیجه. (۱۳۹۹). پیش‌بینی تعهد زناشویی بر اساس نیازهای بنیادین روان‌شناختی و صمیمیت با واسطه‌گری تمایز یافتگی خود، مجله روان‌شناسی کاربردی، ۱۴(۱)، ۵۶-۷۶.
۷. زارعی، سلمان؛ حسینقلی، فاطمه. (۱۳۹۳). پیش‌بینی تعهد زناشویی بر پایه عواطف خودآگاه (شرم و گناه) و تمایز یافتگی خود در دانشجویان متأهل. فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده، ۴(۱)، ۱۱۳-۱۳۵.
۸. سراقی، همایون؛ صفورایی‌پاریزی، محمد مهدی. (۱۳۹۸). بازتعریف خانواده بر اساس قرآن و منابع روایی، پژوهش‌های روان‌شناسی اسلامی، ۲(۱)، ۶۷-۹۵.
۹. شاکرمی، کیانوش؛ زهراکار، محمد؛ محسن‌زاده، کیانوش. (۱۳۹۳). بررسی نقش واسطه‌ای تعارض در رابطه بین تحریف شناختی بین‌فردی و رضایت جنسی با تعهد زناشویی، فصلنامه پژوهش در سلامت روان‌شناختی، ۸(۱۲)، ۵۱-۶۰.
۱۰. شاه‌سیاه، مرضیه؛ بهرامی، فاطمه؛ محبی، سیامک. (۱۳۸۸). بررسی رابطه جنسی و تعهد زناشویی زوجین شهرستان شهرضا، مجله اصول بهداشت روانی، ۱۱(۳)، ۲۳۳-۲۳۸.
۱۱. صادقی، مسعود؛ قادری‌جاوید، سارا؛ شلانی، بیتا. (۱۳۹۸). پیش‌بینی تعهد زناشویی بر اساس ویژگی‌های شخصیت، سبک‌های دلبستگی و جهت‌گیری دینی در دانشجویان متأهل. مجله پژوهش در دین و سلامت، ۵(۳)، ۱۸-۳۱.
۱۲. طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۳۶۳). المیزان فی تفسیر القرآن، قم: انتشارات اسماعیلیان.
۱۳. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۴۰۷). مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو.
۱۴. طبری، محمد بن جریر. (۱۴۱۵). جامع البیان عن تأویل آی القرآن، بیروت: دارالفکر للطباعة والنشر.
۱۵. طیب حسینی، سید محمود و انصاریان، نسرین. (۱۳۹۷). معناکاوی واژه‌های «امراه»، «نساء» و «زوج» در قرآن کریم و کاربردی آن در تحکیم روابط زوجین، مطالعات اسلامی زنان و خانواده، ۱۵(۱)، ۵۱-۶۹.
۱۶. عارفی، مختار؛ رحیمی، روحان؛ شیخ‌اسماعیلی، دلنیا. (۱۳۹۵). پیش‌بینی سازگاری زناشویی زوجهای جوان فرهنگی بر مبنای میزان تمایز یافتگی از خانواده اصلی و رضایت زناشویی. فصلنامه علمی پژوهشی خانواده و پژوهش، ۱۳(۲)، ۸۷-۱۰۶.
۱۷. قرطبی، محمد بن احمد. (۱۴۰۵). الجامع لاحکام القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۸. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۶۵). کافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۹. گل‌دبگ، آیرین و گل‌دبگ، هربرت. (۲۰۰۸). خانواده‌درمانی، ترجمه حسین‌شاهی و نقشبندی (۱۳۹۶)، تهران: روان.
۲۰. محمدپور، عبدالباسط؛ فرح‌بخش، کیومرث؛ حسینی، به‌رزان؛ بلوچ‌زاده، الهام. (۱۳۹۷). پیش‌بینی تعهد زناشویی زنان بر اساس شیوه‌های دل‌بستگی، خودشفقتی و تحمل‌پریشانی، مجله مشاوره و روان‌درمانی خانواده، ۸(۱)، ۶۵-۸۴.
۲۱. مقدس اردبیلی، احمد بن محمد. (بی‌تا). زبده البیان فی احکام القرآن، محقق: بهبودی، مکتبه المرتضویه: ایران.
۲۲. مؤمنی، خدا مراد؛ کاوسی امید، سکینه؛ امانی، رزیتا. (۱۳۹۵). پیش‌بینی تعهد زناشویی بر اساس تمایز یافتگی خود، همبستگی و انطباق‌پذیری خانواده، و صمیمیت زناشویی، دو فصلنامه آسیب‌شناسی، مشاوره و غنی‌سازی خانواده، ۲(۱)، ۴۶-۵۸.
۲۳. مؤمنی، خدامراد، علیخانی، مصطفی. (۱۳۹۲). رابطه عملکرد خانواده، تمایز یافتگی خود و تاب‌آوری با استرس، اضطراب

- و افسردگی در زنان متأهل شهر کرمانشاه. نشریه علمی مشاوره و روان‌درمانی خانواده، بهار و تابستان، ۳(۲)، ۲۹۷-۳۲۹.
۲۴. طبرسی، حسین. (۱۴۰۷). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: انتشارات آل‌البیت.
۲۵. نهج‌البلغه، ترجمه محمد دشتی. (۱۳۹۴). مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی
۲۶. نیکولز، مایکل و نیکولز، ریچارد. (۲۰۰۶). خانواده‌درمانی، ترجمه دهقانی، (۱۳۸۷)، تهران: دانژه.
۲۷. ولدخانی، جواد. (۱۳۸۷). بررسی رابطه منزلت‌های هویتی من و خود متمایزسازی با سازگاری زناشویی در مردان و زنان متأهل دانشگاه علامه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی.
۲۸. هوشیاری، جعفر؛ صفورایی، محمد مهدی؛ جزایری، سید حمید؛ تقیان، حسن. (۱۳۹۹ الف). تبیین مرزهای خانواده براساس قرآن کریم و ساخت پرسشنامه سنجش آن، رساله دکتری، قم، مجتمع آموزش عالی علوم انسانی اسلامی، جامعه المصطفی.
۲۹. هوشیاری، جعفر؛ صفورایی پاریزی، محمد مهدی؛ جزایری، سید حمید؛ تقیان، حسن. (۱۳۹۹ ب). مرزهای درونی خانواده از نگاه روان‌شناسی و قرآن کریم، پژوهشنامه اسلامی زنان و خانواده، دوره و شماره: ۸(۳)، ۵-۲۵.
۳۰. یوسفی، ناصر، عزیزی، آرمان. (۱۳۹۷). تبیین مدلی برای پیش‌بینی تعارض زناشویی براساس تمایز یابی و تیپ‌های شخصیتی. مجله علمی پژوهشی فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی. ۹(۳۵)، ۵۷-۷۸.
31. Adams, J. M., & Jones, W. H. (1997). The conceptualization of marital commitment: An integrative analysis. *Journal of Personality and Social Psychology*, 72(5), 1177-1196.
32. Elizur, J. Minuchin, c, (1990), *Institutionalizing Madness: Families, Therapy and Society*, Hardcover, Basic Books; 1st edition (December 21, 1989).
33. Jamali motlaghE, M. F. (2013). Attament staylse, Differentiation of self sexual dysfunction as pridictors of marital satisfaction in married woman Switzerland research par; journa, 10(102): 870-884
34. Minuchin, S. (1974). *Families and family therapy*. Cambridge, assachusetts: Harvard University Press.
35. Minuchin, S., & Fishman, H. C. (1986) *Family therapy techniques*. Cambridge, MA: Harvard University Press, .